

به نام خالق قلم

شوخی - جدی

مؤلف : اسماعیل شبان

ویراستار : علی شبان

سرشناسه	: شبان، اسماعیل، ۱۳۳۸ -
عنوان و نام پدیدآورنده	: شوخی - جدی / مولف اسماعیل شبان؛ ویراستار علی شبان.
مشخصات نشر	: رشت : نستوه، ۱۳۹۱.
مشخصات ظاهری	: ۸۸ ص.
شابک	: 978-600-5409-27-7
وضعیت فهرست نویسی	: فیا
موضوع	: شبان، اسماعیل، ۱۳۳۸ -- خطرات
موضوع	: قومیت -- ایران -- جنبه‌های اجتماعی
موضوع	: ایرانیان -- هویت قومی
موضوع	: دنامارک -- اوضاع اجتماعی
موضوع	: دنامارک -- جنبه‌های اخلاقی
رده‌بندی کنگره	: ۱۳۹۱ ش ۲۳/۹ : DSR۷
رده‌بندی دیویی	: ۹۵۵/۹۷
شماره کتابشناسی ملی	: ۲۹۴۹۰۳۹



آدرس : رشت - میدان فرهنگ - خیابان آزادگان - پلاک ۶۸ تلفکس : ۳۲۲۸۹۳۳

Email : nastohpublish@yahoo.com

نسام کتاب : شوخی - جدی

مؤلفین : اسماعیل شبان

ناشر : انتشارات نستوه

نوبت چاپ : اول - ۱۳۹۲

تیراژ : ۳۰۰ جلد

ویراستار : علی شبان

صفحه‌آرایی : نستوه

لینوگرانی : همراهان

چاپ و صحافی : چاپ توکل

ناظر چاپ : سامان خسروی

طرح جلد : نستوه

قیمت : ۵۰۰۰ تومان

شابک : ۹۷۸-۶۰۰-۵۴۰۹-۲۷-۷

کلیه حقوق این اثر برای مولف محفوظ است.

فهرست مطالب

۹	مقدمه
۱۰	شوخی - جدی
۱۳	فرهنگ مشترک
۲۵	انقلاب اسلامی
۲۷	دوران خوش سربازی و اعزام به جبهه
۳۶	تحقیق در مورد شهر تهران
۳۶	سابقه تاریخی تهران
۳۸	تهران بزرگ، مرکز سیاسی و اداری ایران
۳۹	نام تهران - وجه تسمیه و نوشتار آن
۴۰	مهاجرین تهران
۴۲	تقسیمات تهران از لحاظ اداری
۴۴	جوک در کشورهای دیگر
۵۲	مهاجرت به دانمارک
۵۳	دانمارک با جزایر متعدد
۵۳	بخشی از اسکاندیناوی
۵۴	جمعیت دانمارک
۵۵	خط و زبان
۵۷	دانمارک و جهان

- کنوانسیون‌های بین‌المللی گسترده ۵۷
- اتحادیه اروپا ۵۸
- خانواده سلطنتی دانمارک ۵۸
- ناتو و سازمان توسعه و همکاری‌های اقتصادی ۶۰
- همکاری در توسعه بین‌المللی ۶۰
- کمک به پناهندگان ۶۱
- دین و مذهب ۶۲
- آزادی در اجرای امور مذهبی ۶۲
- جوامع مذهبی دیگر ۶۳
- آب و هوای دانمارک ۶۵
- سکونت در دانمارک ۶۵
- کارآموز مزرعه کشاورزی ۷۰
- دانشجوی دانشکده بهداشت و درمان ۷۲
- کشور دانمارک و مشکلات مهاجرین ۷۲
- اعتیاد ۷۸
- خودکشی ۷۹
- تجرب والدین ۸۰
- کاریکاتور پیامبر محمد (ص) ۸۰
- استخدام در بیمارستان ۸۱

مقدمه

وقتی شروع کردم به نوشتن این کتاب که داستان زندگی یک مهاجر است، دیدم من که همیشه مهاجر بوده و هستم و این داستان هم همراه داستان زندگی من شد. در حقیقت ناخواسته (من) در داستان جای گرفتم. البته این کتاب کوچک نمی تواند در مجموع داستان یک زندگی باشد چرا که یک مهاجر در طی مسافرت های بی شمار قسمت های از روی داده هایی را که با آن مواجه شده به روی کاغذ آورده است. اگر همه روی داده ها نوشته می شد کتاب قطوری می گردید و خواندن آن از حوصله به دور بود. چنانچه در این کتاب اشتباهاتی داشته باشم بر من خورده نگیرید زیرا اولین کتابی ست که نوشته ام و در این مورد تجربه ای نداشتم و امیدوارم که مرا خواهید بخشید اما این اطمینان را به شما می دهم که مطالعه این کتاب بی فایده نیست.

انشاء الله حق مطلب را آن گونه که هست ادا کرده باشم.

۱۳۸۹/۵/۱ - دامنارک

اسماعیل شبان

شوخی - جدی

من در سال ۱۳۳۸ در شهر رشت متولد شده‌ام. پدرم یکی از مالکین استان گیلان در منطقه شفت بود که قبل از انقلاب نه با قانون اصلاحات اراضی بلکه با اجرای غلط آن قانون مخالفت کرد. کمیون امنیت اجتماعی او را به شهرستان مرند (آذربایجان) تبعید کرد. بعد از گذراندن دوران تبعید، زمانی که به رشت آمد املاکش را گرفتند و مجبورش کردند که از گیلان به هر جا که می‌خواهد برود. او تهران را برگزید و ما با پدر و مادر و ده فرزند و خاله عزیزمان که جمعاً سیزده نفر بودیم به تهران مهاجرت کردیم. در آن زمان من چهار ساله بودم و به آنجه که در اطرافم می‌گذشت توجه چندانی نداشتم و فقط خوشحال بودم که به تهران آمده‌ایم و من هم می‌توانم فارسی را با لهجه تهرانی صحبت کنم. بعدها که عقل و درکم بیشتر شد و توانستم مسایل را با دید وسیع‌تری بینم، فهمیدم که مهاجرین در تهران چه مشکلاتی دارند و کم‌کم شادی‌های کودکانه از درونم پر کشید و تأسف جای گزین شادی‌ها شد. چرا؟

خانه ما در غرب تهران حوالی میدان توحید در خیابانی به نام نصرت غربی، خانه‌ای دو طبقه بود با یک حیاط و دو یاغچه پر از